مرور / ورود موج سوم ایدز به ایران

■ **۲ خرداد:** رییس اداره کنترل ایدز و بیماری‌های آمیزشی وزارت بهداشت برنامه‌های جدید این وزارتخانه جهت کنترل ایدز در کشور را تشریح کرد و از ارایه بسته‌های خدماتی رایگان برای جمعیت حاشیه‌نشین در قالب اجرای طرح تحول بهداشت خبر داد و گفت: «سال گذشته برای نخستین بار هم در کشور و هم در بین کشورهای مدیترانه شرقی، توانستیم ۱۲ آزمایشگاه تخصصی قطب منطقه‌ای تشخیص را در کشور راه‌اندازی کنیم.»

■ **۱۶ خرداد:** رییس اداره کنترل ایدز و بیماری‌های آمیزشی وزارت بهداشت ضمن ابراز نگرانی از تغییر الگوی ایدز در کشور، بر لزوم نقش‌آفرینی نهادهای آموزشی در زمینه کنترل ایدز تاکید کرد.

■ **۴ مرداد:** وزارت بهداشت رسما اعلام کرد؛ موج سوم ابتلا به ایدز (ابتلا از طریق روابط جنسی)، شانه‌به‌شانه موج دوم ابتلا به این بیماری (ابتلا از طریق تزریق مشترک)، در حال پیشروی است. براساس این آمار سن ابتلا به ایدز هم در حال کاهش است.

امروز

رییس اداره پیشگیری از ایدز و بیماری‌های غیرواگیر وزارت بهداشت با اشاره به افزایش آمار انتقال بیماری ایدز از طریق روابط جنسی، می‌گوید نگران تولد کودکان مبتلا به این بیماری است که باید در این زمینه آگاه‌سازی شود.

بزنگاه

پوزش خواستن کار دشواری است، حرکتی است ظریف که میان غرور خشک و ندامت توام با اشک و آه قرار دارد و اگر راه گشودن قلب خود را به سوی دیگری صادقانه نیابیم، همه عذرخواهی‌ها به نظر توخالی و کاذب می‌آیند...!

از کتاب دیوانگی در بروکلین، پل استر ترجمه خجسته کیهان

فلاش‌بک

من درسی ندارم که به شما بدم. اما این رو از من داشته باشید: عشق دروغ نیست، چیز وحشت آوری نیست. به خلاف آنچه می‌گویند به فیلم‌های ترسناک هم شباهت نداره. حقیقت داره. قشنگ غرقتون می‌کنه.

پیتر بیلیش: خیلی از آدما خیلی کم ریسک می‌کنن، اونا تموم عمرشون رو از خطر دوری میکنن... و بعد هم می‌میرن! ولی من برای چیزی که میخوام روی همه چیز ریسک می‌کنم.

بازی تاج و تخت اپیزود چهار

اعتماد
info@etemadnewspaper.ir

■ **صاحب امتیاز و مدیر مسوول:** الیاس حضرتی
■ **جانشین مدیر مسوول و رییس شورای سیاستگذاری:** بهروز بهزادی
■ **سردبیر:** جواد دلیری
■ **معاون اجرایی:** حجت طهماسبی
■ **مشاور مدیر مسوول:** محمد حضرتی
■ **رییس سازمان آگهی ها:** علی حضرتی
■ **نشانی:** خیابان ستارخان- خیابان کوثر دوم- بن بست مینو
■ **تلفنخانه:** ۶۶۱۲۴۰۲۵-۶۶۱۲۴۰۲۴ ■ **نمابر:** ۶۶۱۲۴۰۲۱
■ **توزیع:** نشر گستر امروز **تلفن:** ۶۱۹۳۳۰۰۰
■ **چاپ:** نشر روزتاب **تلفن:** ۴۴۵۴۵۰۷۶

www.etemadnewspaper.ir

■ **اذان ظهر:** ۱۳/۱۱ ■ **غروب آفتاب:** ۲۰/۱۲ ■ **اذان مغرب:** ۲۰/۳۲ ■ **اذان صبح فردا:** ۴/۳۲ ■ **طلوع آفتاب فردا:** ۶/۱۰

نگاه آخر • حمیدرضا جلایی‌پور

دنیای این روزها منهای توافق

توجه به توسعه همه جانبه و مردمی

توافق و رفع تحریم اقدامی بازدارنده بود تا کشور در مسیر توسعه قرار گیرد. کشوری که در هشت سال دولت نهم و دهم در مسیر ضد توسعه قرارداشت. بنابراین توافق و رفع تحریم‌ها را باید قدمی مبارک دانست و از مهم‌ترین کارهای دولت روحانی برشمرد. قدمی که یک عامل بازدارنده را از راه توسعه کشور برداشت، اما حالا برای قرار گرفتن در مسیر توسعه به عوامل پیش‌برنده‌ای هم نیاز داریم که بعد از لغو تحریم باید به آن توجه کرد. از نظر من دو محور از بقیه موارد مهم‌تر است، البته طرح این محورها به این معنی نیست که موارد دیگرمهم نباشد و باید کنار گذاشته شود، اما این دو محورریشه‌ای بیش از بقیه باعث تشویق عوامل پیش‌برنده می‌شود. دولت یازدهم برخلاف دولت احمدی‌نژاد باید روی این دو محور مهم کار کند.

اول: باید مختصات توسعه درون‌زا، همه‌جانبه، پایدار و مردمی برای مردم توضیح داده‌شود. همانطور که در ۱۰۰ روز اول دولت روحانی برای آماربرداری اقتصادی برنامه‌ای طرح شد، الان هم باید مختصات توسعه درون‌زا در دولت وکسانی که سکان مدیریت اقتصادی ،اجتماعی و علمی کشوررا در دست دارند، معین شود. تعریف درستی از توسعه درون‌زا ارایه شود که برخلاف توسعه برون‌زا به خارجی‌ها به طور نامربوط وابسته نباشیم. همچنین تعریف درستی هم از توسعه همه‌جانبه مشخص شود که برخلاف توسعه یک‌جانبه، تمرکزدولت فقط بر رشد اقتصادی نباشد؛ البته در دولت احمدی‌نژاد این رشد اقتصادی را هم نداشتیم. تعریف درست از توسعه همه‌جانبه شامل توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است. به دنبال تئوری‌هایی که برای توسعه کشورها مطرح می‌شود، تئوری یک بعدی جایگاهی ندارد. الان دیگر دوره تئوری‌های دهه‌های ۷۰و ۸۰ تمام شده و نمی‌توان جامعه‌ای را به تولید ثروت رساند بدون اینکه به رای و مشارکت آن‌جامعه احترام بگذاریم. در نظریه‌های سیاسی این نوع توسعه را توسعه سیاسی می‌نامند، یعنی در نظریه توسعه همه‌جانبه، توسعه اقتصادی وابسته به توسعه سیاسی است، همچنین توسعه سیاسی هم بدون توسعه فرهنگی امکان‌پذیر نیست. هیچ کشوری نمی‌تواند با جامعه‌ای ناکام که اعتماد به‌نفسش را از دست داده و در تعارض ارزشی قرار دارد جهت توسعه اقتصادی و سیاسی گام بردارد. مثلا توسعه اقتصادی دولت قبل موجب تخریب محیط زیست شد، در حالی که توسعه کارآمد باید محیط زیست را ارتقا دهد. درباره توسعه مردمی ومشارکتی هم تعریف این باشد که توسعه آمرانه که یک عده به بقیه دستور می‌دادند،برای همیشه فراموش شود. مثلا یک عده بی‌توجه به نظرات مردم بومی تصمیم می‌گرفتند برای یک‌مکان سد بسازند، غافل از اینکه زیر آن سد نمک واسید تولید می‌شد ومحیط زیست را تخریب می‌کرد. توسعه مردمی باید با مشارکت همه اقشار جامعه ونه فقط خودی‌ها باشد. بنابراین گام اول برای دولت این است که مختصات توسعه همه‌جانبه و درون‌زا را معین کند که بسیار ایجابی است. چون جامعه ما با مشکل تراکم آسیب‌های‌اجتماعی روبه‌رو است و برای مواجهه معقول با آسیب‌های اجتماعی که از نرخ بیکاری، اعتیاد، افسردگی و روابط ناپایدار زن ومرد در ایران کم شود باید جامعه را در مسیر توسعه درون‌زا و همه‌جانبه و با مشارکت مردم قرار داد. این‌موارد مهم باید در راس کارهای دولت در این دوسال باقی‌مانده قرار بگیرد و البته چهار سال بعد هم هدف این باشد که به توسعه همه‌جانبه دست یابیم. البته دست‌یابی توسعه در کشورما فقط با عملکرد دولت محقق نمی‌شود، دولت موتوری است که بدون همکاری نهادها وجامعه مدنی و بدون مشارکت و جلب اعتماد شهروندان موفق نمی‌شود. دوره توسعه آمرانه چندین دهه است که تمام شده و در هیچ کجای جهان پیدا نمی‌شود.

دوم: محور دوم تعبیر دیگری از محور اول است. یکی از موانع مهم به جریان افتادن نیروهای کشور در جهت توسعه این است که باید دولت جهت‌گیری‌های اصلی‌اش را برای رانت‌خواری سیستمی یا فساد سیستمی در ایران روشن کند. فساد اقتصادی در ایران فردی نیست که مثلا یک‌نفر دروغ بگوید یا کلاه‌برداری کند، بلکه بعضی نهادها و سازمان‌ها هستند که رانت‌خواری می‌کنند، رانت‌خواری‌هایی که خیلی هم ریشه‌دار شده. الان بخشی از این نهادها منتظر هستند که دوباره گشایش اقتصادی ایجاد شود و دوباره رانت‌خواری‌های‌شان را گسترش دهند. این‌نهادها در این مدت ناراحت بودند که کشور مشکلات مالی پیدا کرده. باید بررسی شود که چرا در این کشور ۸۰۰ میلیارد دلار هزینه شد اما تمام شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی کاهش پیدا کرد. یکی از دلایل مهم این اتفاق، وجود شبکه‌های عظیم و جاافتاده رانت‌خواری در کشور است که اصلا کار خود را رانت‌خواری نمی‌دانند و فکرمی‌کنند کار شرعی انجام می‌دهند. بنابراین اگر این شبکه‌های رانت‌خواری بر جا بمانند، نمی‌گذارند دولت و جامعه به اهداف توسعه‌یابی برسد. در ایران ۸۰۰ میلیارد هزینه شد ولی همچنان نیروهای مولد کم داریم، نیروهایی که موتور حرکت کسب و کار یک جامعه سرزنده است. در حالی که دربرابرآن، نیروهای دلال، غیرمولد و شبه حکومتی مفت‌خوار داریم- من رانت‌خواری را مفت‌خواری و به دست آوردن پول‌های زحمت نکشیده تعبیر می‌کنم. ما در کشور بابک زنجانی‌هایی داریم که فقط یکی از آنها گرفتار شده و بقیه آنها برقرار هستند. بنابراین کار دولت باید مبارزه اساسی با آنها باشد. وقتی برای به نتیجه رسیدن توافق ۱۲ سال وقت و انرژی گذاشتند، باید برای مبارزه با رانت‌خواری جاافتاده هم برنامه‌میان مدت و طولانی‌مدت بگذارند.

اگر دولت روی این دو محور با جدیت کار کند، پیش‌بینی من این است که در این شش سال به این کشور خدمت موثر خواهد کرد وکشور به سمتی که ۲۰ سال پیش نرفته، خواهد رفت؛ ما باید طبق سند چشم‌انداز از کشورهایی جلو می‌زدیم که حالا عقب هم افتاده‌ایم.

تیتر مصور / سلفی • علی دیواندری

کرگدن‌نامه • سیدعلی میرفتاح

ظریف، ظریف است؛ همین

شما را به خدا نکنید. جان هر که دوست دارید ذوق‌تان را کنترل کنید. شور را از مزه نبرید. اگر افراط بد است، تفریط هم بد است؛ یک جاهایی بدتر. خدابیامرزد پدر کسی را که هم «قدر» خودش را می‌داند و هم «قدر» بقیه را. «احساسات و عواطف» را در روابط دوستانه و خانوادگی هر چقدر که خواستید خرج کنید. معشوق‌تان را به هر چیزی و به هر کسی که دوست دارید تشبیه کنید. تشبیهش کنید به ماه؛ به زهره؛ به کهکشان راه شیری... به هرچیزی که دوست دارید. دوستان‌تان را هرچه که عشق‌تان می‌کشد صدا کنید. اگر رفیق‌تان فیزیک می‌خواند رویش اسم بگذارید «اینشتین»، صدایش کنید «دکتر حسابی»، اگر رفیق‌تان نقاشی می‌کشد، مقایسه‌اش کنید با پیکاسو. برایش شعر بنویسید که داوینچی شاگرد تو هم نیست حتی اگر اهل رجزخوانی هستید، هر قید و بندی را از دست و زبان و ذهن خود باز کنید و خود را در قامت رستم ببینید. شعر بسازید و همه عالم را زیر نگین سلیمانی‌تان بیاورید. کسی که بعدا بازخواست‌تان نمی‌کند. اگر حافظ گفته قدسیان شعرش را از بر می‌کنند، شما هم کنارش بنویسید قدسیان شعرتان را شدیدتر و غلیظ‌تر از بر می‌کنند. قدسیان که به کلانتری عارض نمی‌شوند. کسی هم که از شما سند و مدرک نمی‌خواهد. اسب خیال‌تان را زین کنید و آسوده بفرستیدش به طبقات آسمان تا احساسات و عواطف و هیجانات‌تان را به جولان دربیاورد، حسابی هم به جولان دربیاورد... اما همان جا خوب خودتان را تخلیه کنید که بعدا که به زمین برگشتید در مواجهه با واقعیت‌های اجتماعی- سیاسی، گرفتار خیال و احساس نشوید. خیال و احساس در مقابله با مسائل سیاسی و اجتماعی مثل نمک است در غذا. فقط به اندازه‌ای خوب و قابل تحمل است که غذا را از بی‌نمکی دربیاورد؛ همین. ضمن اینکه غذای بی‌نمک هزار مرتبه از غذای شور بهتر است. در مواجهه با مسائل سیاسی و اجتماعی هم اگر شور را از مزه ببریم خودمان و بقیه را به دردسر می‌اندازیم. خیال هم حد و مرزی دارد و همینطوری از روی خوش‌ذوقی نمی‌شود و نباید آدم‌های انضمامی را به مراتب انتزاعی برد و مثل «معشوق» به چیزهای دیگر تشبیه‌شان کرد. فی‌المثل تشبیه ظریف به مصدق یا امیرکبیر یا هر رجل سیاسی دیگری، مرتبه‌ای از خیال‌پردازی و احساسی عمل کردن است که دربرگیرنده معنی و مفهومی نیست- یعنی ما را به چیزی و جایی راهنمایی نمی‌کند- و ظرافت و طنزی هم به ضمیمه ندارد. یک زمانی هست ما یک حرف‌هایی را نمی‌توانیم بزنیم و به یک اموری نمی‌توانیم اشاره کنیم، دست به دامن تشبیه و استعاره می‌شویم تا مخاطب‌مان را متوجه معنی پنهان کنیم و هزار حرف نگفته را در لفافه تشبیه بگوییم. اما در زمانی که هر کس هرچه دلش بخواهد به صراحت می‌تواند بگوید و بنویسد. ماهواره‌ها که مانع و محذوری ندارند هرچه بخواهند درباره ظریف و تیم مذاکره‌کننده می‌گویند. در داخل هم مخالفان حرف مانده در گلو ندارند. چند نفر از منتقدان که رسما ظریف را به خیانت متهم کردند، موافقان هم کمابیش گفتنی‌های‌شان را گفته‌اند و نوشته‌اند. روی هم بریزیم ۱۰ تا نیسان نقد و تحلیل در این مدت گرد آمده. حواس‌مان باشد که ما با ظریف کار داریم و او هنوز در ابتدای راه است و بسیار با مصدق آخر راه فرق دارد. دوره و زمان هم فرق کرده، غرب و شرق هم فرق کرده‌اند، موضوع هم از بیخ و بن چیز دیگری است و به ملی شدن نفت ربطی ندارد. بالاخره در تشبیه هم باید وجه شبه را در نظر گرفت و همین‌طوری بی‌مبالات افراد را به هم مربوط نکرد. ضمن اینکه این تشبیهات ممکن است الکی‌الکی هزینه‌هایی روی دست ظریف و ملت و دولت بگذارد که پرداختش به دردسرمان بیندازد. ظریف ظریف است و اتفاقا خوبی‌اش هم همین است که نمی‌خواهد ادای دیگری را — به خصوص مصدق و غیرمصدق را — دربیاورد. مراقب احساسات و عواطف‌مان باشیم. سر این تشبیهات باز شود، آن وقت بیلبورد می‌زنند و خیلی از رجال سیاسی را به اشقیا تشبیه می‌کنند و... اگر آنها بی‌مبالاتند ما که دوست ظریفیم، نباشیم.

روزمرگی روشنفکری

در حال و هوای دغدغه‌های بهرام دبیری

به همان چیزی فکر می‌کنم که مردم فکر می‌کنند

□ **دنیا عیوضی** / دغدغه هنرمندان و روشنفکران همیشه از جنس جامعه و تفکر است. درست مثل بهرام دبیری که روایت روزمرگی خودش و آنچه دغدغه‌های ذهن هنرمندش است را با رشد فکری مردم شروع می‌کند و می‌گوید: «من به سطح تفکر مردم فکر می‌کنم، رشد فکری مردم و جوانان به آثار فرهنگی بستگی دارد. مردم با آثار فرهنگی رشد می‌کنند.» شاید نگاهی تاریخی به خواسته‌های مردم ایران، مسوولان اجرایی را برای تامین نیازهای جامعه دلسوزتر و جدی‌تر کند؛ نیازهایی که در دوره‌های تاریخی مختلف همیشه همراه مردم بود و انگیزه مبارزه و ایستادگی را به آنها می‌داد. حالا با توافق هسته‌ای یک برگ جدید به تاریخ ایران اضافه شده و بازهم صحبت از خواسته‌های مردم به میان آمد، خواسته‌هایی که دلیل خیلی از انتخاب‌های آنها بود. همانطور که این هنرمند و نقاش ایرانی تعریف می‌کند: «مجموعه درخواست‌هایی که از بعد از انقلاب تاکنون دارم، دغدغه‌های من شمرده می‌شود؛ درخواست‌هایی که به دلیل جنگ و بحران‌های دوره‌های مختلف تاریخی به آنها کمتر توجه شد. تحقق این درخواست‌ها همان برنامه‌ای بود که حسن روحانی در برنامه‌های انتخاباتی‌اش بیان کرد، برای همین به دست مردم انتخاب شد.»

نام بهرام دبیری به عنوان هنرمندی که در آثار نقاشی‌اش از خیال‌پردازی با رنگ‌های تند و خام استفاده می‌کند، مشهور است. آثاری که هیجانات و کابوس‌های خالق او را در برهه‌هایی از تاریخ ایران منعکس می‌کند، بهرام دبیری دغدغه‌های هنری‌اش را آمیخته با دغدغه‌های اجتماعی مردم می‌داند و می‌گوید: «اگرچه من نقاش هستم اما به همان چیزهایی فکر می‌کنم که همه مردم فکر می‌کنند.»

وقتی صحبت از ضرورت‌های مردم به میان می‌آید، همه فکرها به سمت اقتصاد و معاش می‌رود، درحالی که این هنرمند نیازهای امروز مردم را فراتر از این موارد می‌داند و در تقسیم‌بندی خواسته‌های مردم به مسائل مهم‌تری اشاره می‌کند: «آزادی بیان و حذف ممیزی نیاز جامعه روشنفکری و طبیعتا نیاز امروز مردم ایران است. مردم حق دارند به آثار فرهنگ و هنر با آزادی بیشتری دسترسی داشته باشند، حق دارند بدون ممیزی آثار هنری را ببینند و درک کنند که این روزها فرهیختگان و عامه مردم به چه چیزهایی فکر می‌کنند. اگر اثر هنری بدون ممیزی در اختیار مخاطب قرار گیرد، مردم با تفکر هنرمندان بهتر آشنا می‌شوند، همان تفکری که باعث خلق اثر هنری شده.» با فرجام خوش بر جام انتظار می‌رود فضای هنری باز تر شود. دبیری در این باره می‌گوید: «بعد از توافقی که بین ایران و جهان شد، وقت این است که به نیازهای اجتماعی مردم هم پاسخ داده شود و جامعه ایرانی به حقوقی که برایش انقلاب کرده دست پیدا کند». دبیری این روزها را در کارگاهش می‌گذراند و در طول سال‌ها فعالیت حرفه‌ای‌اش ۶۰ تا ۷۰ نمایشگاه نقاشی را برگزار کرده؛ هنرمندی که با علاقه‌مندان نقاشی ارتباطی گرم دارد و سعی می‌کند به بالا بردن سطح آگاهی هنردوستان کمک کند.

هرچند بهرام دبیری در قامت یک هنرمند گرم و سرد هنر ایران را چشیده و ته قلبش خواسته‌های زیادی دارد، با این حال اما هیچ‌کدام از آنها را بیان نمی‌کند: «من به عنوان یک نقاش درخواستی از کسی ندارم و مواردی که بیان می‌کنم در قامت یک شهروند است. حذف ممیزی یک درخواست اجتماعی است، ممیزی جلوگیری از حقوق مردم است». این نقاش کهنه‌کار در پایان حرف‌هایش نکته‌ای را بیان می‌کند که شاید به کار خیلی از هنرمندان جوان بیاید: «هر چه فضا محدودتر باشد هنرمند خلاق‌تر می‌شود. من در این ۳۵ سال هیچ‌وقت از محدودیت‌ها شکایتی نداشتم. در میان تمام فشارها و محدودیت‌ها هنرمندان هنوز فعالیت می‌کنند. جامعه جوان و تحصیلکرده ایران کتاب می‌خواند، تئاتر می‌بیند و سینما می‌رود. جوان تحصیلکرده می‌خواهد آثار فرهنگی بدون حذف در اختیارش باشد که احساس نکند برای آگاهی او حد ومرزی قایل شده‌اند؛ محدودیت‌هایی که باعث شود او کمتر بداند. با چنین تفکری روحیه جوانان ضعیف می‌شود و از جامعه‌شان دلزده می‌شوند.»

خارج از قاعده

به بهانه تولد مسعود کیمیایی و دوری یک نسل تازه از یک نسل قدیمی

باید زبان یکدیگر را یاد بگیریم

نگار اسکندرفر

سال‌های سال است که با جوانان کار می‌کنم و به امید همین معاشرت با نسل تازه، فکر می‌کردم که زبان‌شان را می‌فهمم و در میان هم‌نسلان خودم، بیشتر از بقیه از جوانان خبر دارم. اما همین چند وقت پیش دخترم از من پرسید: «تو هم مثل من با مادرت همین‌قدر اختلاف سلیقه داشتی؟». سوالش متعجبم کرد. باورم نمی‌شد که دخترم فکر می‌کند با من اختلاف سلیقه دارد و من نتوانستم زبان نسل او را بفهمم.

بعد یادم افتاد که در روزگار، که هم‌سن و سال او بودم، اصلا چیزی به نام «اختلاف سلیقه» را در ذهن خود نداشتم و به رابطه خودم و مادرم، این‌طور نگاه نمی‌کردم که حالا دخترم نگاه می‌کند و معتقد است که باهم اختلاف سلیقه داریم. اما واقعیت این است که زبان نسل تازه عوض شده و این تغییر آنقدر زیاد و متفاوت است که نسل من و نسل‌های قبل‌تر، حتی اگر در رابطه مداوم و همیشگی باشند، بازهم نمی‌توانند جزییات آن را درک کنند.

همین است که تفاوت سلیقه پیش می‌آید و همین است که شکل جریان‌ها، مناسبات و حتی رفتارها، میان نسل تازه و نسل‌های قدیمی عوض می‌شود و این روزها می‌بینیم؛ بزرگان عرصه سینما، ادبیات و هنرهای دیگر، آنهایی که قدیمی بودند و در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ جریان‌سازی کردند، دیگر شبیه گذشته با این نسل جوان ارتباط نمی‌گیرند و نه آثارشان آن اقبال قدیمی را پیدا می‌کند و نه این جوانان شبیه آن طرفداران و همراهان همیشگی و قدیمی می‌شوند.

بزرگانی مثل مسعود کیمیایی، داریوش مهرجویی، بهرام بیضایی و... هرکدام به یک دلیلی، حالا یا کم‌کاری یا دوری از ایران، از آنچه در دورانی دیگر بودند بسیار دورتر و متفاوت‌تر ایستاده‌اند. البته نه اینکه جایگاه آنها خدشه‌دار شود یا تمام آن سال‌های خوب و رویایی فعالیت‌های آنها نادیده گرفته شود، اما انگار فرهنگ فراموشی بزرگان به آنها هم سرایت کرده و تنها مخاطبان قدیمی و وفادار هستند که سراغی از آنها می‌گیرند و همچنان از شاهکارهای آنها در سینما حرف می‌زنند و برنامه‌هایی تازه برای همراهی با آنها می‌سازند. اما دوری از نسل تازه، اتفاق افتاده و این اصلا اتفاق عجیبی نیست.

چون زبان‌ها عوض شده و فیلمسازی که روزی قهرمان بوده، حالا دیگر نمی‌تواند تفکر و اندیشه خود را با همان زبان قدیمی به این نسل تازه منتقل کند. در چنین شرایطی چند نکته را نباید از بین ببریم؛ اول اینکه جایگاه این آدم‌ها هیچ‌وقت عوض نمی‌شود و کیمیایی «قیصر»، مهرجویی «هامون»، بیضایی «مسافران» و... همیشه در همان جایگاه والا باقی می‌مانند و نمی‌توانیم به بهانه دوری امروز، تمام ردپای موثر آنها را در فیلم‌های‌شان و در روزگاری دیگر نادیده بگیریم.

دوم اینکه، این همزبانی باید ایجاد شود، حتی در دورترین نسبت نسل ما با نسل جوان، بازهم باید پل ارتباطی برقرار باشد تا نسل جوان از تمام اندوخته‌های این بزرگان، بتوانند آموزش ببینند و استفاده کنند و برای آینده تربیت شوند. واقعیت این است که با کمی همراهی و همزبانی، آن فرهنگ فراموش‌کاری و نقد گذشته تبدیل به فرهنگی برای استفاده از تجربیات گذشته می‌شود و چراغ راه آینده.

رونمایی روز

پرسه‌های شبانه

شرح: مراسم رونمایی از کتاب‌های تازه منتشر شده، رسم قشنگی است که در سال‌های اخیر ناشرهای ایرانی راهش انداخته‌اند تا بهانه‌ای باشد برای جذب کتاب‌خوان‌ها و رونق بازار کتاب. در میان این ناشران، نشر پرسه با خلاقیت و برنامه‌های ویژه برای رونمایی کتاب‌های تازه خود، کاری کرده تا علاقه‌مندان به کتاب همیشه سراغ برنامه‌های رونمایی این انتشاراتی را بگیرند و بخواهند در این مراسم‌های ویژه که معمولا با موسیقی زنده همراه است، حضور داشته باشند. جمعه همین هفته و در کافه گالری سل، مراسم رونمایی کتاب «پرسه‌های شبانه» نوشته پاتریک مودیانی و ترجمه نازنین عرب برگزار می‌شود؛ اتفاقی که برای گذران یک جمعه خوشایند همراه با کتاب پیشنهاد می‌شود.

کتاب روز

نقب‌زدن به امریکا

آن تایلر نویسنده‌ای خاص برای ما ایرانیان است. این نویسنده همسر تقی مدرسی، نویسنده ایرانی است که که با انتشار رمان «یکلیا و تنهایی او» در میانه دهه ۳۰ نامش در ایران سر زبان‌ها افتاد و پنج سال پیش در نیویورک‌تایمز و درباره زنان ایرانی گفت: «من همواره مقاومت زنان ایرانی را ستوده‌ام؛ به خصوص نسل‌های قدیمی را که چندین دهه است در امریکا زندگی می‌کنند و هنوز فرهنگ خود را حفظ کرده‌اند و به تمام اصول خانواده خود پایبند هستند. آنها تا آنجا که می‌توانند در برابر فرهنگ‌های غربی مقاومت می‌کنند و من این موضوع را در کتابم نشان داده‌ام». حالا کتاب تازه این نویسنده به نام «نقب‌زدن به امریکا» توسط گلی امامی ترجمه شده و نشر چشمه آن را منتشر کرده است.

عکس نوشت

تصویر همیشگی ما از امدادگران، مردانی است که به دل حوادث می‌زنند تا مصدومان یک حادثه را نجات دهند و به آغوش خانواده بازگردانند؛ تصویری که همیشه در سریال‌ها و فیلم‌های خارجی خدشه‌دار می‌شود و می‌بینیم زنان هم همپای مردان می‌توانند امدادگر باشند و نجات دهند. حالا این عکس برای شکستن همین تصویر کلیشه‌ای همیشگی منتشر می‌شود؛ عکسی که روایت می‌کند، زنان امدادگر ایرانی در مسابقه استانی امداد و نجات شرکت و در ۱۵ گروه با یکدیگر رقابت کرده‌اند. این مسابقات در سایت تخصصی آموزش ارکان بجنورد برگزار شده‌است.